

## قرآن چگونه گردآوری شد

( قسمت دوم )

همانطور که در مطلب قبلی گفتیم در زمان ابوبکر خطر از بین رفتن قرآن بطور جدی مطرح گردید .  
و ابوبکر تصمیم به حفظ قرآن گرفت و توسط زید ابن ثابت این جمع آوری صورت گرفت .

چنانچه اشاره شد، زید فقط قرآن را جمع کرد و هیچ نظمی به آن نداد .... اما در همان روزها دیگر یاران محمد نیز کم و بیش سعی در نگارش قرآن هایی به نام خود داشتند که حداقل هفت قرآن معتبر به نام آنان در تاریخ ثبت شده است .

برخی قرآن های معروف

(1) قرآن به روایت ابن مسعود:

ابن مسعود معتقد به اصالت معنی بود و می گفت کلمات قرآن را برای راحت تر شدن میتوان به مترادف آن تبدیل کرد..... در قرآن بروایت ابن مسعود، سوره حمد و سوره معونتین نبود او این دو سوره آخر را جزء قرآن نمیدانست و هر گاه قرآنی را با این دو سوره می دید آنها را پاک می کرد و می گفت قرآن را با غیر قرآن خلط نکنید و خودش هرگز از این دو سوره در نماز استفاده نمی کرد و معتقد بود این دو سوره دعای چشم زخم می باشد ....

(2) قرآن به روایت ابی ابن کعب:

قرآن ابی ابن کعب هم با قرآن های امروزی تفاوت زیادی داشت که در نوشته های قبلی توضیح دادیم ...

(3) قرآن به روایت ابو موسی اشعری

(4) قرآن به روایت ابن سود

(5) قرآن به روایت سالم مولی

(6) قرآن به روایت ابی حدیقه

(7) قرآن به روایت معاذ ابن جبل

در آن زمان دسترسی به قرآن و نسخه صحیح آن آنقدر مشکل بود که برخی از صحابه محمد هم از داشتن قرآن محروم بودند، و از کسانی که توانایی جمع آوری قرآن را داشتند کمک می خواستند تا برای خود قرآنی داشته باشند .... قرآن های فوق هم با همدیگر اختلافات فاحشی داشتند و حتی جغرافیای آنها هم متفاوت بود .... مثلا در کوفه، مردم قرآن ابن مسعود را صحیح میدانستند، ولی در مدینه قرآن ابی ابن کعب معتبر بود، و سایر قرآنها اعتباری نداشتند .... اما در بصره قرآن ابوموسی اشعری طرفدار داشت، و قرآن ابن اسود در دمشق رایج بود ....

اختلافات این قرآنها بحدی بود که بین مسلمانان اختلاف و چند دستگی ایجاد کرده بود و هر گروه قرآن خود را صحیح و سایر قرآن ها را تحریف شده می دانست و این امر موجب نزاع های شدیدی در بین آنها می گشت ....

حدیقه ابن سعید ابن عاص میگوید: زمانی که از جنگ ارمنستان باز می گشتم، مردمی را از حمص دیدم که قرآن خود را صحیح می دانستند و آنها قرآن را به روایت مقداد می خواندند ... اهل کوفه را دیدم که قرآن خود را به روایت ابن مسعود می خوانند و همین اعتقاد را در مورد قرآن خود دارند و نیز مردم کوفه حتی نام قرآن خود که به روایت از ابو موسی اشعری است را به نام الباب القلوب می خوانند و آن را صحیح می دانند .

در این زمان حتی در مورد نام قرآن نیز اتفاق نظر نبوده است و دیدیم که مثلا ابی حدیقه قرآن را به نام مصحف میخواند است ....

در اوایل خلافت عمر، وضعیت یافتن نسخه صحیح قرآن بسیار اسف بار بود، و بین مسلمانان هم اختلافات شدیدی وجود داشت .... واضح است که اگر تفاوت های بین قرآن ها ناچیز بود هرگز باعث درگیری بین مسلمانان نمی شد .

البته عمق این اختلاف از حد درگیری های ساده نیز گذشته بود و هر گروه، گروه دیگر را تکفیر می کرد ....

در تاریخ می خوانیم که زمانی که حدیقه به مدینه باز می گردد، بلافاصله نزد عثمان می رود و می گوید: «در جنگ ارنستان شرکت داشتم، در آنجا مردم شام، قرآن را به روایت ابی ابن کعب می خواندند که مواردی از آن را مردم عراق نشنیده بودند، و مردم عراق قرآنی را می خواندند که مردم شام از قسمت هایی از آن بی اطلاع بودند و هر گروه گروه دیگر را تکفیر می کرد»

این ماجرا که در کتب مختلف تاریخی آمده است عمق اختلافات بین قرآن ها را نشان می دهد .... فکر عثمان مطمئناً نگران این موضوع بود، که حل نشدن این موضوع باعث از هم پاشیده شدن امپراطوری نو پای او خواهد شد ..... عثمان شدیداً مضطرب بود و تصمیم جدی گرفت که قرآن ها را یکسان سازد .....

اما این کاری بس عظیم و دشوار می نمود ..... اسلام در آن زمان در دامنه وسیع جغرافیایی گسترش یافته بود و نسخه های متفاوتی از آن در سراسر سرزمین های اسلامی منتشر شده بود که هر کدام با دیگری اختلافات بیشماری داشت ..... این احتمال می رفت که هر قومی برای حمایت از قرآن خود قیام کند و مانعی بر سر یکسان سازی بوجود آورد ..... لذا عثمان تصمیم می گیرد که با نهایت خشونت و سختگیری این کار را به انجام برساند، به طوری که کسی جرات مخالفت نداشته باشد ..... او برای اینکار نیاز به حمایت بزرگان صحابه محمد داشت ..... لذا عثمان همه یاران محمد را که در مدینه زندگی می کردند را در یک جلسه جمع می کند و موضوع را با آنها در میان میگذارد و همه آنان بر این نکته اتفاق نظر داشتند که قرآنها باید یکی شوند و بهای این کار هر چه هست می باید پرداخت گردد و در انجام این کار جای هیچ درنگ نیست ..... عثمان بدون آنکه درنگ کند در یک فراخوان عمومی از یاران محمد یاری می جوید و چهار نفر آنان که مورد اعتماد خودش بودند را برای هدایت این کار بر می گزیند و این چهار نفر عبارت بودند از

1) زید ابن ثابت

2) سعید ابن عاص

3) عبدالله ابن ابی زبیر

4) عبدالرحمن ابن حارث

این چهار نفر کمیته تالیف قرآن را بعهد می گیرند . اما یکسان سازی قرآن (در این مرحله تحریفات اساسی وارد قرآن میشود) کار کوچکی نبود و این انتخاب عثمان باعث اعتراضات شدیدی می گردد و عثمان را ناگزیر می کند که دوازده نفر دیگر را به این جمع اضافه کند.

منابع : .... علاوه بر منابع قبلی ..... مصاحف سجستانی، طبقات ابن سعد، الکامل فی التاریخ، و صحیح بخاری ...

درفش کاویانی



[/http://derafsh-kaviyani.com/parsi](http://derafsh-kaviyani.com/parsi)